

(153)

هو الله

ای زائر مطاف ملأ اعلی الحمد لله بعون و عنایت الهیه مرحله‌های بعیده طی نمودی و بادیه‌ها پیمودی و بسر منزل مقصود رسیدی موهبتی اعظم از تشرف بآن آستان تصور نتوان بستایش ملیک مقتدر پرداز که چنین مقدر نمود حال بدیاری الهی مراجعت نما و بهر خطه و بوم و ثغوری عبور می‌نمائی بشارت الطاف رب غفور ده و رائحه طیبه محبت الله را بمشام برسان و از قبل عبدالبهاء نهایت اشتیاق برسان و تحیت ابدع ابهی ابلاغ دار از عنایت بی نهایت حضرت مقصود امید موفور است که جمیع در صون حمایت حضرت احدیت محفوظ و مصون مانند و لیل و نهار بذکر پروردگار مشک اسرار بر عالم نثار نمایند کل را روش و سلوک نشر نفعات حدیقه مالک الملوک باشد و مقصد و آرزو هدایت طالبان حقیقت باری من در شب و روز بدرگاه حضرت رحمن تبتل و تضرع نمایم و یارانرا روح و ریحان خواهم مرادم جز سرور و حبور دوستان رب غفور نه و نهایت آرزو آنکه بهر یک نامه‌ئی نگارم ولی ملاحظه می‌نمائی که چه خبر است از برای هر یک از نفوس که نامه خواسته بودی میخواستم بنویسم ولی شما در آخر کل که دفتر مکاتیب بسته شد خواهش نمودید من بتحریر رسائل مهمه مشغول بودم لهذا این نامه را بخود شما بخط خود می‌نگارم که تلافی شود و شما کتاب ناطق گردید و جمیع یارانرا از قبل من نامه مفصل باشید و علیک البهاء (عبدالبهاء عباس)